

«گفت و گو» برای شنیدن آماده شد:

## جلوهای از دل‌باختگی به موسیقی ایران

آلبوم موسیقی «گفت و گو» با هنرمندی حمید متبسم و کاوه محمودیان در ژانر موسیقی ردیف دستگامی ایران پیش روی مخاطبان قرار گرفت.

داریوش طلائی، حمید متبسم، پدرام خاور زمینی، جاوید افسری راد، ناصر رزازی، عدنان کریم، ارژنگ سیفی زاده، پویان بیگلر، رزگار ملا محمودی و نوازندگان اروپایی، شرکت در جشنواره‌های معتبر داخلی و خارجی و انتشار آلبوم‌های «چکاوک» با داریوش طلائی و «ادوار» با پدرام خاورزمینی از جمله فعالیت‌های هنری او است.

موسیقایی هستند که توسط حمید متبسم منتشر شده‌اند. کاوه محمودیان از جمله هنرمندان جوان و فعال حوزه موسیقی ایرانی است که نوازندگی تمبک و مبنای وزن و ریتم را نزد فرهاد بازرگان، پژمان حسدادی و پدرام خاورزمینی آموخته است. هم نوازی با هنرمندانی چون

موسیقی در اروپا از جمله فعالیت‌های هنری او محسوب می‌شوند.

«بامداد»، «بوی نوروز»، «لولیان»، «به نام گل سرخ»، «شوریده» (پرنده عنوان شوک موسیقی از مجله موسیقی لوموند و جایزه بهترین موسیقی سال ۲۰۰۳ وزارت فرهنگ فرانسه)، «سیمرخ»، «زمزمه هاه»، «زمستان»، «تو کبیتی» و «تاروپود» هم مجموعه‌های



کاوه محمودیان از جمله هنرمندان جوان و فعال حوزه موسیقی ایرانی است که نوازندگی تمبک و مبنای وزن و ریتم را نزد فرهاد بازرگان، پژمان حسدادی و پدرام خاورزمینی آموخته است.

ایران، وفاداری است به هنری که اعتبار و سربلندی ام از اوست. قدردانی است از درویش، وزیری، صبا، پایور، مشکاتیان و اشاره‌ای است به روند تکاملی ذهنی و هنری‌ام با اجرای آثار این استادان» حمید متبسم از جمله آهنگسازان و نوازندگان شناخته شده موسیقی ایرانی است که تحصیلات خود را از هنرستان موسیقی ملی آغاز و در مجموعه‌های دیگری چون دانشسرای هنر ادامه داد. او طی این دوران نزد هنرمندانی چون علی متبسم، حبیب الله صالحی، زیدالله طوعی، هوشنگ ظریف، حسین عزیزاده و محمدرضا لطفی نوازندگی و ردیف موسیقی ایران را فرا گرفته است. عضویت در کنسون «جاووش» و گروه «عارف»، تشکیل گروه‌های «چکاوک»، «دستان»، «مضرب»، تاسیس انجمن تار و سه تار، بنیاد سیمرخ و برگزاری یازده سمینار سالانه از چگونگی دل‌باختگی ام به موسیقی

## هانیبال الخاص؛ هنرمندی مثل همه و هیچکس

فرا تر رفتن داشت. او انسانی دقیق، آگاه و اهل نگاه کردن بود که با نگاه زنده خود به هر چیزی ارزش ثبت شدن می‌بخشد.

**بیر هم زنده سلیقه نمایشگاه روهای مقرراتی** هانیبال الخاص که به سبب استفاده از طنز و ابتکارهای مختلف در برپایی نمایشگاه برهم زنده سلیقه نمایشگاه روهای مقرراتی دانسته می‌شود، سرانجام در تاریخ بیست و سوم شهریور ماه سال ۱۳۸۹ و در سن ۸۰ سالگی درگذشت. علت مرگ این مدرس به حد شدن بیماری سرطان شکر و کولیت سسن او بازمی‌گردد که در نهایت منجر به مرگ وی در ایالت کالیفرنای آمریکا شد. سوالی که در این میان وجود دارد این است که چرا این هنرمند در آمریکا دار فانی را وداع گفت و به خاک سپرده شد؟

در پاسخ باید به بزرگداشتی که شاگردان این هنرمند در خانه هنرمندان ایران در سال ۱۳۸۹ برگزار کرده بودند، اشاره کرد. این بزرگداشت بهانه سفر این هنرمند به کشور را محقق کرد اما تأمین نشدن هزینه‌های بیماری وی در کشور باعث شد تا الخاص در ایران ماندگار نشود و بیار دیگر به آمریکا باز گردد. این بازگشت در نهایت باعث شد تا او در آمریکا از دنیا برود و به خاک سپرده شود.

دربار، میثم رسولی نژاد و فرزین قاسمی، به گفت‌وگو درباره استاد نشسته‌اند. میثم رسولی نژاد، یکی از شاگردان وی در قسمتی از این مستند درباره شخصیت الخاص این چنین اظهار نظر کرده است: «من فکر می‌کنم مهم‌ترین نکته مثبت در شخصیت آقای الخاص این بود که مثل همه بود و اصلاً آدم خاصی نبود». مهتاب نعمت‌اللهی یکی دیگر از شاگردان الخاص، درباره اهمیت آموزش در کارنامه هنرمند بر این باور است: «وجود آقای الخاص با ویژگی‌هایی که داشت در من به تنهایی قیامتی برپا کرد و باعث شد تا من به‌نام می‌بردم. بیشتر دوست داشتم بروم در کلاس‌های مدل زنده، نقاشی کنم. در همان کلاس بود که برای اولین بار کارهای ذهنی کردم. آن کار ذهنی پر از صورت‌های آدم بود.»

وی همچنین گفته بود: «در کلاس دانشگاه، از کشیدن اندام انسان‌ها لذت می‌بردم. بیشتر دوست داشتم بروم در کلاس‌های مدل زنده، نقاشی کنم. در همان کلاس بود که برای اولین بار کارهای ذهنی کردم. آن کار ذهنی پر از صورت‌های آدم بود.»

**دنیای خاصی است**

آیدین آغداشلو یکی دیگر از هنرمندانی است که درباره الخاص اظهار نظرهایی کرده است. این نقاش معاصر کشورمان در مراسم بزرگداشت اولین سالگرد درگذشت هانیبال الخاص ضمن اشاره به این نکته که دنیای او دنیای خاصی است، گفته بود: «الخاص مدرنیست صرف نبود و همیشه تلاش می‌کرد تا از تباط و محمندی، نیلوفر قادری‌نژاد، و اهیک هارطونیان، مهتاب نعمت‌اللهی، سمیرا

با در نظر گرفتن آثار این نقاش در یک شمای کلی، متوجه خواهیم شد که انسان و چهره‌های مختلف، موضوع اصلی بیشتر آثارش محسوب می‌شدند. یکی از اظهاراتی که این هنرمند کرده بود و ما را به تصدیق این فرضیه که انسان در آثارش موضوع محوری است، نزدیک می‌کند. به این شرح است: «خیلی دوست داشتم به قیافه و نگاه آدم‌ها فکر کنم و عمق عواطف، اندوه، تکبر، خودخواهی و مهربانی آن‌ها را دریابم.»

وی همچنین گفته بود: «در کلاس دانشگاه، از کشیدن اندام انسان‌ها لذت می‌بردم. بیشتر دوست داشتم بروم در کلاس‌های مدل زنده، نقاشی کنم. در همان کلاس بود که برای اولین بار کارهای ذهنی کردم. آن کار ذهنی پر از صورت‌های آدم بود.»

**هانیبال الخاص آدم خاصی نبود!**

تاکنون چند مستند درباره زندگی این هنرمند و آثارش ساخته شده است. یکی از این مستندها که گالری آنلاین آرآرتیستس از شاگردان این هنرمند گرفته‌اند، هانیبال الخاص را از نگاه شاگردانش مورد بررسی قرار می‌دهد. در طول این مصاحبه‌ها احمد کیلی، رضا بانگیز، احمد زهدی، ناصر محمدی، نیلوفر قادری‌نژاد، و اهیک هارطونیان، مهتاب نعمت‌اللهی، سمیرا



پدرش و بازگشت از آمریکا به ایران، اولین شغل این هنرمند آموزش نقاشی محسوب می‌شود.

**لرنژی که آثار هانیبال را خاص کرد**

الخاص از کودکی دارای بیماری‌ای بود که لرنژی در صدا و دست به او داده بود، اما بعدها همین بیماری تبدیل به چسراغ راهنمایی به منظور شناخت آثارش شد. آثار این هنرمند و نویسنده عموماً توسط اهالی هنر قابل تشخیص هستند و به عقیده این هنرمند، او می‌شناسند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از او آموزش دیده‌اند. آموزش در شناخت کارنامه هنری الخاص از جایگاه و یزهای برخوردار است؛ چرا که پس از فوت

الته همین سفرهای متعدد و زندگی در شهرهای مختلف را می‌توان نقطه قوتی در تفکر وی برای داشتن ایده‌های ناب به منظور خلق اثر دانست.

**جایگاه ویژه آموزش در کارنامه هنرمند**

هانیبال الخاص که یک نقاش نوگرا محسوب می‌شود، تقریباً شصت سال از زندگی خود را صرف هنر نقاشی کرد. بیشتر هنرمندان سابقه ای که در کشور مشغول به فعالیت جدی در حوزه نقاشی هستند، نه تنها این هنرمند را می‌شناسند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از او آموزش دیده‌اند. آموزش در شناخت کارنامه هنری الخاص از جایگاه و یزهای برخوردار است؛ چرا که پس از فوت

گروه فرهنگ و هنر - هانیبال الخاص، از پیشگامان نقاشی نوین که یازده سال قبل در چنین روزهایی برای همیشه این دنیا و عالم هنر را ترک کرد. برای شاکر دانش مثل همه بود و اصلاً خودش را آدم خاصی نشان نمی‌داد؛ با این همه وقتی هنرمندی مثل آیدین آغداشلو می‌خواهد از او سخن بگوید، اولین حرفش این است، «دنیای الخاص دنیای خاصی است.»

هانیبال الخاص آموخته‌ای بود از یک انسان نقاش، منتقد، مدرس هنر، مترجم و نویسنده که در سال ۱۳۰۹ در شهر کرمانشاه متولد شد. پدر این هنرمند در گسکر کار می‌کرد و به همین دلیل بیشتر زندگی الخاص در سفر و شهرهای مختلف سپری شد و

معرفی کتاب

«چگونه عشق خود را پیدا کنیم؟»

مترجم:

الناز عظیمی

گردآورنده: آرن دوباتن

انتشارات رخداد کویر



مشکل ساز در راه انتخاب عاشقانه، موانع یافتن عشق، مشکلاتی که معشوق‌های ما ممکن است داشته باشند مثل مشکل در غریزه تأیید شدن، تکامل و... و در نهایت نقش واقع‌بینی در انتخاب عاشقانه و پایه عیارهای انتخاب آگاهانه و به دور از خیالپردازی.

**بخشی از کتاب:**

غریزه دومی که ما را به سوی عشق می‌کشاند غریزه دریافت تأیید است. هر کدام از ما مسائل و احساسات بخصوصی داریم که برای دیگران بی‌اهمیت و گاهی مبهم و یا حتا مایه سوء تفاهم است. مثلاً ممکن است ما افراد خاصی را که عموماً محبوبند دوست نداشته باشیم، یا مثلاً نسبت به چیزهایی احساس اضطراب می‌کنیم که برای دیگران آرامش‌بخش است. ممکن است غصه‌هایی داشته باشیم که هیچ‌کس دیگری ندارد، یا سلاقی و بلاغی داشته باشیم که دیگران هیچ حساسی به آنها ندارند. بنابراین به احتمال زیاد شدیداً جذب کسانی می‌شویم که ویژگی‌های بخصوص ما را درک می‌کنند. به آنها عشق می‌ورزیم زیرا می‌توانند خصصت‌های نامعمول، حساس، و بخصوص ما را تأیید کنند. این افراد، درست عکس لشکر افراد بی‌احساس، حس ما را «می‌فهمند»

وقتی بلاخره به حاسی ایده‌آل خود ذهن شما نقش خواهد بست که، واقعاً چرا عاشق افرادی بخصوصی می‌شویم و گزینه‌های دیگر را رد می‌کنیم؟ چرا این سنخ را داریم، نه سنخ دیگری؟ چه عواملی بر انتخاب ما تأثیر می‌گذارد؟ آرن دوباتن در این کتاب درباره نکات مهم عشق و عاشقی صحبت می‌کند؛ عواملی که بر انتخاب عاشقانه ما تأثیر می‌گذارد. غریزه‌های

معرفی کتاب

«در ستایش مادران خانه دار»

نویسنده:

لورا شلسینگر

مترجم: عاطفه برقی

موسسه انتشاراتی فلسفه



گروه فرهنگ و هنر - کتاب در ستایش مادران خانه دار نوشته لورا شلسینگر است که با ترجمه عاطفه برقی منتشر شده است. کتاب در ستایش مادران خانه دار، روان‌شناسی زنان خانه‌دار است.

**درباره کتاب:**

جینین در بطن مصادر به وجود می‌آید، نه‌ماه از بدن او و سپس با شیرش تغذیه می‌کند. صدای مادر از هر صدای دیگری در این دنیا برایش آشناتر است، پس چگونه می‌توان باور داشت که گاهی آغوش، بوسه، خنده، نوازش، حرارت و زمزمه‌های مادر با اعمال روزمره‌ای مانند تغذیه و عوض کردن پوشاک جایگزین نشود؟ نویسنده توضیح می‌دهد هرگز مایل نیست به خانمی بگوید باید چکار کند تا زندگی‌اش رضایت‌مند، هیجان‌انگیز و هدفمند شود و مطمئن است روش‌های زیادی برای ایجاد رضایت فردی وجود دارند. این کتاب نخوسته به زنی بگوید که در خانه بیش از هر جای دیگری روی کره زمین به وجود او احتیاج است، زیرا او ندارد اگر انتخاب زنان کاری تمام وقت است. احساس گناه کند و هیچ‌گاه به زنان نمی‌گوید گرمی، حرارت، عشق و پرورش که می‌تواند در خانه ایجاد کند چه لذت، رضایت و آرامش بی‌انتهایی را برایش به از مغان خواهد آورد، زیرا ممکن است در نظر آن‌ها فردی مهاجم به نظر برسد. این کتاب نمی‌خواهد کسی را محکوم کند، بلکه می‌خواهد به نظر برسد. این کتاب نمی‌خواهد کسی را محکوم کند، بلکه می‌خواهد خانواددهایی که مادرانی خانه‌دار دارند، بیشتر آشنا شوند و نویسنده امیدوار است شما هم مطالب کتاب را با تمام وجود احساس و درک کنید.

**بخشی از کتاب:**

قبل از شروع پیش‌دستانی، دو کودکستان را برای نگهداری پسرم امتحان کردم. فرستادن او به اولین مهد کودک را زمانی متوقف کردم که ساعت ۴ بعد از ظهر به آنجا رسیدم و دیدم هنوز پسرم در حال گریه کردن است. خانم مدیر سعی داشت با دلایل معمول مرا متقاعد کند که او برای سازگار کردن خود با محیط به زمان نیاز دارد، اما من دریافتم هیچ دلیلی وجود ندارد که بخوام با غیبت خود باعث آزارش شوم. مومین بار هنگامی اتفاق افتاد که از لحاظ مالی دچار بحران شده بودیم و من مجبور بودم به صورت پاره وقت در رادیو کار کنم. در ابتدا تجربه رفتن به مهد کودک برایش جالب بود اما پس از گذشت چند هفته زندگی روزمره، در نظرش کسالت بار شد و دوباره دوست داشت با هم باشیم تا به کارهایی مانند بازی، مطالعه، مأموریت، ورزش، کار هنری، هجی کردن و املا نوشتن، دوچرخه سواری، پیاده روی و غیره برسیم. در نتیجه برای بار دوم نیز کودکستان رفتن را تعطیل کردم. من برای هر لحظه مادر بودم، خدا را سپاس گزارم. خاطرات بسیار شیرینی از نشاندن پسرم در چرخ دستی خرید فروشگاه‌ها یا هنگامی که به جنگل می‌رفتم و وانمود می‌کردم بویلاهار می‌تعقیب مان هستند و با جوب، شمشیر و نیزه درست می‌کردیم، دارم. هم اکنون او برای خودش مردی شده و در ارتش آمریکا، چترپاز است. من و همسرم به این نتیجه رسیدیم که برای پشتیبانی و حمایت مالی زندگی‌مان باید دوباره در رادیو کار کنیم و او به کارهای منزل و امور مالی رسیدگی کند.

### مرد پرفروش «جناپی»

گروه فرهنگ و هنر - «جیمز پترسون» در سن ۷۴ سالگی صد‌ها میلیون نسخه از رمان‌هایش را در سراسر جهان به فروش رسانده است تا به یکی از پردرآمدترین نویسندگان جهان تبدیل شود. در آمد سالانه «پترسون» در فاصله بین ژوئن ۲۰۱۹ تا ژوئن ۲۰۲۰ به بیش از ۸۰ میلیون دلار رسید و به گزارش «فوربس» این نویسنده در این بازه زمانی در ایالات متحده حدود پنج میلیون کتاب فروخت. اما موفقیت «پترسون» یک‌شبه به وجود نیامده است. او در ابتدا نویسندگی را به عنوان حرفه اصلی انتخاب نکرده بود و برای چاپ کردن نخستین کتابش هم بارها جواب رد شنید. این نویسنده در «نیویورک» واقع در نیویورک در کنار پدرش که کارمند بیمه و مادرش که یک معلم مدرسه بود بزرگ شد. «پترسون» می‌گوید با این‌که همیشه رویای نویسنده شدن داشت اما ایده به سراغ نویسندگی رفتن همیشه برایش جسورانه بود. اما پس از مطالعه کتاب‌های «جیمز جویس» و مطالعه کتاب‌های بیشتر به سراغ نوشتن رفت. این نویسنده پس از کالج به نیویورک نقل مکان کرد و در دهه ۷۰ میلادی نخستین شغلش را در بزرگ‌ترین آژانس تبلیغاتی آمریکا پیدا کرد. در اواسط دهه ۷۰ بود که نخستین کتابش را با نام «شماره توماس بری» نوشت.

این کتاب توسط ۳۱ ناشر رد شد اما زمانی که بالاخره در سال ۱۹۷۶ چاپ شد، جایزه «ادگار» را در شش‌ماه‌به‌ترین نویسنده کتاب اولی ژانر رمزآلود برای «پترسون» به ارمغان آورد. در سال ۱۹۹۳ بود که رمان «وقتی که عنکبوت می‌آید» منتشر شد و به این ترتیب شخصیت «الکس کراس» به دنیا معرفی شد. از آن زمان تاکنون بیش از ۲۰ کتاب با حضور این شخصیت منتشر و یک فیلم سینمایی با اقتباس از رمان او ساخته شده است. با این‌که «پترسون» نخستین کتابش را در سن ۲۶ سالگی منتشر کرد اما تا سن ۴۰ سالگی به نویسنده پرفروش تبدیل نشده بود. در حقیقت، «پترسون» چندین دهه در آن شرکت تبلیغاتی مشغول شد و در سال ۱۹۸۸ به مقام مدیرعاملی رسید.

«پترسون» می‌گوید در آن دوران سالانه بیش از ۱۰۰ کتاب مطالعه می‌کرد تا خلافتیش را تقویت کند. این نویسنده می‌گوید: «من قوه تخیل گسترده‌ای دارم و مدام از خودم می‌پرسم این موضوع چطور است؟ آن موضوع چطور است؟ اما امروزه به دلیل برنامه سنگین نویسندگی، او در هفته یک کتاب مطالعه می‌کند. «پترسون» با وجود موفقیت‌هایش دوست ندارد توصیه و نصیحت کند، بخصوص در مورد نویسندگی. این نویسنده می‌گوید: «من خودم را خیلی جدی نمی‌گیرم... بله، من کتاب‌های بسیار زیادی به فروش رساندم اما هیچ اهمیتی ندارد؟»



تیام رایان کیش

## راه اندازی شبکه

کابل کشی

اینترنت داخلی



تیام رایان کیش، کیش، بازار پانیز، طبقه دوم، واحد شماره 5

تیام نت شیراز

تیام نت شیراز 071 91014805

تیام رایان کیش 076 44805

تولید و توزیع آب معدنی در سراسر جزیره، تحویل در محل

۴۴۴۷۳۴۲۲ - ۴۴۴۷۳۴۲۱

کیش نوش